

رشید الدین فضل الله واصلاحات غازان خان  
زمانی تهرانی

خواجه رشید الدین فضل الله، پسر عمادالدوله ابی الخیر و نواده موفق الدوله همدانی است. او ایام جوانی خود را در همدان به تحصیل علوم مختلف، به ویژه طب گذراند و به عنوان طبیب به دستگاه اباخان وارد شد و تا آنجا پیش رفت که به وزارت غازان و اولجایتو و ابوسعید رسید. خواجه رشید الدین فردی فاضل و دانشمند و آشنا به زبان‌های عربی، ترکی و مغولی بود و اوقات فراغت را به مطالعه یا نگارش (کتابت) می‌گذراند. غازان‌خان شخصیتی تاریخدوست و آشنا به تاریخ اجداد خود بود؛ از این رو رشید الدین را مأمور کرد تا تاریخ مغول را بنویسد. خواجه این امر را پذیرفت و پس از مطالعه اسناد تاریخی مغول و مذاکره با مطلعین تاتار، کتاب خود را با نام «تاریخ غازان» بنیانگذاری نمود، ولی پیش از اتمام آن غازان خان درگذشت و برادرش اولجایتو خواجه را به ادامه کار واداشت.

نظر اولجایتو بر این اساس بود که علاوه بر تاریخ اقوام مغول، تاریخ جامعی شامل همه اقوام دیگر، به ضمیمه مجلدی درباره جغرافی و معرفت مسالک و ممالک ذیل تاریخ غازانی قرار دهد. رشیدالدین با توجه به سنگینی وظیفه وزارت و رتق و فتق امور گوناگون، به انجام آن همت ورزید و سرانجام تألیف کتاب مذکور، یا «جامع‌التواریخ» را در سال ۷۱۰ ه. ق به پایان رسانید. خواجه در اثر بدگویی دشمنان در سال ۷۱۷ ه. ق از وزارت معزول شد و از شهر سلطانیه به تبریز رفت و سرانجام بر اثر تحریکات مخالفان، در سال ۷۱۸ ه. ق به دستور ابوسعید، او را در نزدیکی تبریز کشتند؛ بدین ترتیب، به زندگی یکی از حکما، اطبا، نویسندگان، مورخان و وزیران نامی ایران پایان بخشیدند و آثار او را در ربیع رشیدی از میان بردند.

آثار وی عبارت است از:

۱. کتاب الاخبار و الآثار (در بیان سرما و گرما، و فصول و فلاح و آبیاری، و امراض نباتات و معدنیات که اصل آن در دست نیست، ولی منتخبی از آن موجود است).

۲. مفتاح التفاسیر (در بیان فصاحت قرآن و ترجمه مفسران و بیان خیر و شر و قدر و ابطال تناسخ).

۳. رساله سلطانیه.

۴. لطایف الحقایق.

۵. بیان الحقایق.

۶. توضیحات (شامل ۱۹ مراسله در مسائل کلامی، دینی و عرفانی).

۷. مجموعه مکاتبات رشیدی (حاوی بسی نکات ادبی و تاریخی است).

خواجه علاوه بر امور فوق، طبع شعر نیز داشت و گاهی به صورت تفننی شعر می‌سرایید.

در خصوص جنبه تاریخ‌نگاری این شخصیت بزرگ، نشست‌های در مرکز نشر میراث مکتوب با حضور دکتر هاشم رجب‌زاده، دکتر جعفری مذهب و استاد روشن برگزار شد.

در این نشست، ابتدا دکتر رجب‌زاده درباره عقاید دینی و آثار رشید الدین سخن گفت؛ رشید الدین گرچه یهودی تبار بود، اما از روی صدق و اخلاص اسلام آورد. شاهد آن اینکه در جامع‌التواریخ و نیز در مکاتیب خود، از مخالفت خود با یهودیت سخن گفته و شادی خود را از ویران شدن کلیساها و کینسه‌ها و بتخانه‌ها در دوران غازان خان ابراز کرد. وی هم چنین در ستایش اسلام غازان خان، علت اسلام آوردن او را هدایت ایزدی دانسته است.

او در یکی از رسائل خود شرح می‌دهد که حضرت رسول(ص) و حضرت علی(ع) را در خواب دیده و بر اثر آن، نور معرفت در دلش تابیده است. او در کتابخانه ربیع رشیدی در تبریز ۱۰۰۰ جلد قرآن به خط بهترین خوشنویسان گرد آورد و دارالقرآنی بنا کرد و مساجد و مدارس متعدد ساخت.

او هیچ تعریف و تحسینی درباره مغولان که قومی خونخوار و ویرانگر بودند و از حیث اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر جامعه ایران فشار زیادی وارد کردند، ندارد؛ مگر درباره غازان خان که از نگاه وی پادشاهی مسلمان و ایرانی است نه مغول.

آثار رشیدالدین

و آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که بخشی در حوزه تاریخ است، شماری در معارف دینی نظیر تفسیر، علوم قرآن و احکام، و اندکی در طب و آئین مملکت‌داری.

در این میان، جامع‌التواریخ برجستگی خاصی دارد؛ البته این اثر تألیف مستقیم خود او نیست، بلکه توسط گروهی از محققان و مترجمان و زیر نظر او تألیف شده است.

استاد روشن نیز درباره محتوای جامع‌التواریخ و چگونگی تألیف آن، منابع و همکاران وی و پژوهش‌های محققان داخلی و خارجی در این حوزه گفت:

رشیدالدین نخست به فرمان غازان‌خان، تألیف تاریخ مغول را آغاز کرد، اما پیش از آنکه تدوین آن به پایان برسد، غازان خان در سال ۷۰۴ هـ. ق درگذشت. این تاریخ در دوره جانشین و برادر وی، سلطان محمد اولجایتو به انجام رسید، سپس از سوی اولجایتو مأمور شد تا تاریخ عمومی تألیف کند. او این کار بزرگ را شروع کرد؛ کتابی از تاریخ حضرت آدم تا خاتم و ایران باستان تا ایران اسلامی و...؛ تألیف جامع‌التواریخ ۵۰ سال به طول انجامید. وی بخش مغول را با کمک چینگ سانگ نوشت.

در تاریخ هند نیز از یک راهب بودایی به نام کاتالاشری نجسی کمک گرفت. در تاریخ چین از دو مورخ به نام‌های لی تاچی و تانگ‌سو، و از تاریخ‌های موجود در کتابخانه‌های ایران استفاده کرد. اما در تاریخ بنی‌اسرائیل همکاری ندارد و چون یهودی تبار است، خود از تورات‌های موجود بهره می‌برد. تاریخ افرنگ نیز شامل تاریخ پایان قیصره است.

بخش‌هایی از جامع‌التواریخ به دلیل اهمیت به عربی برگردانده شد. دکتر روشن در ادامه به نسخه‌های این اثر و چگونگی تصحیح آن اشاره داشتند.

دکتر جعفری مذهب که مدیریت جلسه را به عهده داشت، ضمن تحلیل فضای سیاسی اجتماعی دوران رشیدالدین، اسلام آوردن غازان خان، اصلاحاتی که اعمال شد، جایگاه جامع‌التواریخ و اهمیت آن و اینکه تاریخ‌نگاری رشیدالدین آغازی بود برای چین‌شناسی علمی، پرسش‌های مهمی را مطرح کردند؛

۱. اصلاحات غازان‌خان تا چه اندازه محصول ذهن است و تا چه اندازه متأثر از رشیدالدین و ایرانیان قدیم؟

۲. چرا عمر این اصلاحات کوتاه بود؟

۳. چرا تغییرگاه شماری پی‌گرفته نشد؟

۴. مخالفان اصلاحات چه کسانی بودند؟

از جمله نکات مهم سخنرانی ایشان این بود که اساساً آیا مارکوپولو واقعیت خارجی دارد؟ آیا او به تمامی نقاط چین سفر کرد؟ اطلاعات او از چین از چه منبعی اخذ شد؟ آیا تشابهی که میان اطلاعات موجود در سفرنامه مارکوپولو و جامع‌التواریخ وجود دارد، دلیل این نیست که او از جامع‌التواریخ استفاده کرده است؟

در جلسه پرسش و پاسخ نیز مباحثی چون میزان تسلط و آشنایی رشیدالدین به زبان‌های بیگانه، روش او در تاریخ‌نگاری و فلسفه تاریخ از منظر وی مطرح شد.